

گفت‌وگو با مریم طاهرخانی، هنرآموز موفق شهر تاکستان که در جشنواره زیباسازی مدرسه‌ها برگزیده شد

مدرسه‌ای با هویت بصری تازه



گفت‌وگوکننده: مجید کاظمی

برای شروع گفت‌وگو، از حال و هوای این روزهایتان بگویید، به‌ویژه بعد از تجربه حضور و برگزیده شدن در جشنواره زیباسازی مدرسه‌ها. این روزها بیشتر به فکر فرو می‌روم تا اینکه نقاشی کنم. دیگر مثل گذشته، از نقاشی کردن در تنهایی لذت نمی‌برم. ترجیح می‌دهم میان جمع دوستان و دانش‌آموزانم نقاشی کنم و وقت بگذرانم، چون این سبک همیشه بخشی از زندگی من بوده است. به اشتراک گذاشتن هنر با دیگران، هم حال مرا خوب می‌کند و هم حال آن‌ها را، و این حس به من نیرویی می‌دهد که گمان نمی‌کنم چیزی بتواند آرامش آن را جایگزین کند. در حال حاضر در هنر، بیشتر به لذت لحظه‌ای فکر می‌کنم تا خلق یک اثر ماندگار. البته شاید بهترین آثار دنیا هم در همین لحظه‌های لذت‌بخش آنی شکل گرفته‌اند. خلق زیبایی همراه با دانش‌آموزانی که با آن‌ها کار می‌کنم، برای من جذاب‌ترین سرگرمی دنیاست.

من با بچه‌هایی که دیوارنگاری انجام دادیم، دو سال زندگی هنری مشترک داشتم و خوب یکدیگر را درک می‌کردیم. آن‌ها به من علاقه داشتند و این عشق را با کارهایشان و قلم‌هایی که می‌زدند، نشان می‌دادند. همین حس متقابل بود که نتیجه کار را موفقیت‌آمیز و خاطره‌انگیز کرد. ما در آن پروژه به یکدیگر درس محبت دادیم و فقط برای برنده شدن در مسابقه کار نمی‌کردیم، بلکه هنر را زندگی می‌کردیم. حتی به برگزیده شدن فکر نمی‌کردیم، تنها چیزی که اهمیت داشت این بود که کنار هم باشیم و کار را به بهترین شکل به پایان برسانیم. برای دریافت جایزه، من شخصی را انتخاب کردم که حتی دست به کار نزده بود، اما با کمک‌هایش و لبخندش انرژی زیادی به گروه داده بود.

لحظه‌ای را به خاطر دارید که متوجه شدید دیوار مدرسه می‌تواند به یک رسانه آموزشی و هنری تبدیل شود؟ این «نقطه عطف» چگونه شکل گرفت؟

واضح است که دیوار مدرسه یکی از بهترین رسانه‌ها برای ارتباط و بیان است. این ایده برای من تازه‌گی ندارد، چرا که از دوران دبیرستان با هر ابزار ممکن روی دیوار کار می‌کردم و همیشه تشویق می‌شدم. اما اکنون آرزوی من این است که هنر نقاشی ایرانی، که عموماً در ابعاد کوچک اجرا می‌شده و جایگاهش محدود به کتاب‌های ادبی و مذهبی



بوده است، به شکلی نوآورانه روی دیوارها نمایش داده شود. این کار می‌تواند برای دانش‌آموزان تجربه‌ای ملموس باشد تا فرهنگ غنی، آرام و کامل ما را بهتر درک کنند. همچنین، این عمل می‌تواند به ایجاد ارتباط عمیق‌تر با طبیعت کمک کند، چراکه ما بخشی از طبیعت هستیم و باید به آن احترام بگذاریم. این فرایند، از تمیزکردن نگاه‌ها گرفته تا پاک کردن دیوارها و زیباسازی زمین، مجموعه‌ای از نظم‌های متوالی ایجاد می‌کند که نه تنها آثار هنری دانش‌آموزان را مدیریت می‌کند، بلکه به روح و روان ما نیز طراوت می‌بخشد. با چشم خود دیده‌ام که چنین فعالیت‌هایی در طول ماه‌ها چطور رفتار و نگرش دانش‌آموزان را تغییر می‌دهد.

به نظر شما دیوار در مدرسه چه نقشی فراتر از یک سطح فیزیکی دارد؟ آیا می‌توان از آن به عنوان بخشی از فرایند یاددهی یادگیری نام برد؟

دیوار، بله، تا زمانی که تنها رنگ خورده باشد، فقط یک سطح فیزیکی است. اما وقتی با کم‌سلیسگی چند کاغذ با پونز روی آن نصب شود، باز هم سطحی فیزیکی است که معمولاً محتوای آن یا خوانده نمی‌شود یا اگر هم خوانده شود، در ذهن باقی نمی‌ماند. اگر با هوشمندی و هنر دیوار را به یک اثر هنری تبدیل کنیم، می‌تواند به پیامی ماندگار و تأثیرگذار بدل شود، در واقع پنجره‌ای رو به علم، فرهنگ و هنر. گاهی اوقات، یک جمله با تکرار فراوان هیچ تأثیری بر شنونده ندارد، اما اگر همان جمله با ظرافت بصری روی دیوار قرار گیرد، ناخوسته بر ضمیر ناخودآگاه دانش‌آموز اثر می‌گذارد، دیدگاهش را تغییر می‌دهد و شاید حتی جرقه‌ای برای گرفتن یک تصمیم بزرگ در زندگی او شود.

نقش معلم هنر را در راهبری هویت بصری و هنری مدرسه چگونه تعریف می‌کنید؟ آیا این مسئولیت فراتر از کلاس درس است؟

معلم همیشه مانند شمعی بوده که با سوختن خود، اطراف را روشن می‌کند. این توصیف در مورد معلم هنر نیز به شکلی خاص نمایانگر است، چراکه یکی از وظایف مهم او آموختن «چگونه دیدن» و «چطور نگاه کردن» به دانش‌آموزان است. معلم هنر به نوعی می‌تواند نقش یک درمانگر را هم ایفا کند. من غالباً از طریق آثار هنری و نقاشی‌های دانش‌آموزان، به دنیای درونی آن‌ها راه پیدا می‌کنم. این ارتباط گاه به گفت‌وگوی صمیمانه و حل یا کاهش مشکلات آنان، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر می‌شود. این فرایند بیشتر در مدرسه رخ می‌دهد، اما نتیجه‌های آن در بلندمدت، حتی خارج از فضای مدرسه اثرگذار است. در شهر، تأثیر معلم هنر را می‌توان در زمینه چشم‌انداز فرهنگی و هویت بصری مشاهده کرد. به ویژه در شهرهای کوچک، نقش معلم هنر در بازسازی فرهنگ بصری و ارتقای آن ملموس‌تر است. معلم هنر با تلاش‌های خود می‌تواند نسلی آگاه و با درک عمیق هنری تربیت کند، نسلی که در آینده در زمینه‌های گوناگون هنری مشغول به کار خواهند شد. بسیاری از آنان با یادگیری مهارت‌ها و فن (تکنیک)‌های اولیه از همین معلمان پرتلاش، به حرفه‌ای‌های تأثیرگذار تبدیل می‌شوند. بارها دانش‌آموزان بیان می‌کنند که همچنان از آموزه‌هایی که در هنرستان کسب کردند، حتی در دوران دانشگاه بهره می‌برند.

بنابراین، به عنوان یک معلم هنر وظیفه دارم همواره دانش و مهارت خود را به روز نگه دارم تا بتوانم نسل جدیدی را پرورش دهم که آینده‌ای زیباتر برای شهر و کشورمان رقم بزنند. بسیاری از دستاوردهای بزرگ از کارهای کوچک و توسط معلمانی شکل گرفته است که انگیزه تغییر و پیشرفت را در شاگردان خود شعله‌ور کرده‌اند. بسیاری از نوابغ دنیا هم از زیر دست همین معلمان پرتلاش برخاسته‌اند.

در تجربه شما، چه چیزهایی الهام‌بخش نقاشی دیواری در فضای مدرسه‌ها بوده است؟

دیوارنگاری در تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها مسیری از تاریخ را گذرانده است. از نقاشی‌های غارهای باستانی گرفته است تا امروز که به شکل‌های نوین‌تر (مدرن‌تر) و با استفاده از مواد گوناگون انجام می‌شود. همان تصویرهایی که روی دیوار غارها حک می‌شد، بعدها به تصویرسازی کتاب‌ها، نقاشی‌های دیواری و حتی نقش برجسته‌های تمدن‌های باستانی مانند تخت جمشید تبدیل شد. از طرف دیگر، نقاشی‌ها و خط‌خطی‌های کودکان روی دیوار یا تبلیغات روی آگهی‌نما (بیلبورد)‌ها و اتوبوس‌ها نیز هرکدام به نوعی بخشی از این جریان هستند. خواب‌ها و رویاها همواره الهام‌بخش من در مسیر این هنر بوده‌اند، به خصوص در محیط مدرسه‌ها. مدرسه‌ها را همیشه مکان مقدسی دانسته‌ام، جایی که گنجی عظیم درونش نهفته است. شاید در لحظه به نظر نرسد که سرمایه‌گذاری در این فضا سودآور باشد یا درآمد مستقیمی از آن حاصل شود، اما به باور من این گنج پنهان نیاز به مطالعه و صرف زمان دارد تا ارزش واقعی‌اش نمایان شود.

اقلیم شهر و استان شما بر انتخاب رنگ، موضوع و فن (تکنیک) در نقاشی‌های دیواری مدرسه چه تأثیری داشته است؟

شهر و استان من پیشینه‌ای غنی در زمینه فرهنگ، هنر و زبان دارد. آثار هنری این منطقه بی‌تأثیر از تاریخ و پیشینه آن نیستند. اگرچه من به طور مستقیم از الگویی مشخص در شهر استفاده نکرده‌ام، اما به وضوح می‌توان ردپای نقش و نگارهای ایرانی را روی هنرهای شهر قزوین مشاهده کرد، چیزی که هر بار مرا به وجد می‌آورد. باغ‌های سرسبز تاک، فضای آرام‌بخش مجموعه سعدالسلطنه، قوس‌های زیبای معماری و کاخ عالی قاپو با باغ چشم‌نوازش، همگی الهام‌بخش من در مسیر هنر زمینی و معنوی هستند، حتی گاهی چهره همشهریانم منبع الهام برای ایده‌ها و فن (تکنیک)‌های جدید من می‌شود. به نظر من، در جای‌جای این شهر و در هر جلوه‌ای از زندگی، رد قلم‌موی استادی هویداست که همیشه مرا در این مسیر همراهی و هدایت می‌کند.

برخی معتقدند دیوارنگاری‌های مدرسه‌ای نباید «تمام‌شده» و بسته باشند و بهتر است امکان رشد و ادامه داشته باشند. شما با این نگاه موافقید؟

این هنر نه تنها نباید به پایان برسد، بلکه لازم است هر ساله بودجه‌ای از سوی سازمان‌های مربوطه برای ارتقای کیفیت اجراها تخصیص داده شود و مورد حمایت قرار گیرد. همچنین، برنامه‌ریزی برای جشنواره‌ها و اردوهای تفریحی مرتبط با این حوزه ضروری است. علاوه بر این، باید



۱. دیوارنگاره نقاشی ایرانی اسب‌ها، اثر: مریم طاهرخانی از شهر تاجکستان، هنرستان کوثر، استان قزوین، اول کشوری

اگر چه نقاشی دیواری در مدرسه‌ها به شکل گسترده‌ای اجرا می‌شود و شاید بودجه قابل توجهی هم به آن اختصاص یابد، اما نبود نیروهای متخصص و کارآموده موجب می‌شود که کیفیت آثار، ارزیابی صحیحی نداشته باشند و تفاوت کار خوب از بد مشخص نشود. در واقع، برای اجرای یک سفارش هنری حرفه‌ای به چندین پیش طرح نیاز است که افراد غیرمتخصص نمی‌توانند از عهده آن برآیند. برای بهبود وضعیت فعلی، اختصاص بودجه مناسب ضروری است. انگیزه‌دادن می‌تواند با حمایت منابع مربوطه و آگاه‌سازی همراه باشد. همچنین، می‌توان جلسه‌هایی ترتیب داد که در پایان آن‌ها، هدیه‌های هنری برای مدیران در نظر گرفته شود. ارائه آموزش‌های تکراری و کم‌جاذبیت روی کاغذ دیگر پاسخ‌گو نیست و موضوعات نیازمند رویکردی بنیادی هستند. در بلندمدت، باید جلسه‌هایی با دستورالعمل‌های کاربردی و نوآورانه برگزار شود که هنر را به شکل جدی‌تری در برنامه‌های دولتی قرار دهد. هنر یکی از پایه‌های اساسی رشد هویت و فرهنگ است و نباید نسبت به آن کوتاهی کرد. اگر این نیازها احساس شوند، دیگر مراحل ارتقا خودبه‌خود و ادامه‌دار اتفاق خواهند افتاد.

اگر بخواهید به مدیران مدرسه‌ها و معلمان هنر یک توصیه عملی درباره دیوارهای مدرسه بکنید، آن توصیه چیست؟

دیوار می‌تواند به اندازه کتاب و دفتر دانش‌آموز تأثیرگذار باشد، به شرطی که پیام‌های منتقل شده با خلاقیت، مهارت و متناسب با گروه سنی آن‌ها طراحی شوند. چنین پیام‌هایی می‌توانند به دانش‌آموزان یاد بدهند که نسبت به اطراف خود بی‌توجه و بی‌تفاوت نباشند، موضوعی که در عصر نوین (مدرن) امروز، با توجه به زمانی که بسیاری از آن‌ها تا نیمه‌های شب با تلفن همراه خود سپری می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد. متأسفانه، این دستگاه‌ها بخش زیادی از هیجان و علاقه دانش‌آموزان را به خود اختصاص داده‌اند. اما دیوارنگاری می‌تواند به عنوان بخشی رنگی و جذاب از زندگی بیرون از دنیای تلفن همراه عمل کند؛ فرصتی برای تجربه آرامش بصری و ذهنی در دنیای واقعی.

هرچند سال یک بار آثار قدیمی‌تر جایگزین و به‌روز شوند تا نقاشی و هنر همراه با زمان پیش بروند و از تحولات عقب نمانند. چرا که نقاشی‌های دیواری مدرسه‌ها نه تنها نمایانگر سطح دیدگاه و آگاهی آن مدرسه هستند، بلکه می‌توانند صدای دیوارها را بلند کنند، صدایی که شاید در میان ازدحام روزمرگی و نگاه‌های گریزان دانش‌آموزان سبب مکثی برای اندیشه و تأمل شود.

نسل جدید هنرجویان هنرستان را چطور ارزیابی می‌کنید؟ کار روی دیوارهای مدرسه چه تأثیری بر اعتماد به نفس و هویت هنری آن‌ها دارد؟

نسل جدید بسیار باهوش هستند اما صبر و حوصله کمتری دارند. در عین حال، آن‌ها در موقعیتی هستند که یک قدم در دنیای نوجوانی و قدم دیگر در دنیای بزرگ‌سالی قرار گرفته‌اند. به نظر باید با روش و منطق خودشان با آن‌ها تعامل کرد و نباید آن‌ها را از دنیای خود جدا دانست. به جای طردکردن، بهتر است قدرت تفکیک را به آن‌ها آموزش دهیم و خودمان نیز وارد دنیای آن‌ها شویم. یکی از بهترین معلمان من، دانش‌آموزانم بوده‌اند، زمانی که توانستم ارتباط خوبی با آن‌ها برقرار کنم. کودکان در حین انجام کارهای بزرگ‌تر رشد می‌کنند، چرا که سطح بالای آن کار و حساسیتش باعث می‌شود بیشتر دیده شوند و احساس اهمیت کنند. آن‌ها با علاقه و شوق قلبی به کارهایی مثل نقاشی روی دیوار روی می‌آورند، چرا که از کودکی این نوع فعالیت‌ها برای ما جذاب بوده است. شاید این موضوع ریشه در سبک زندگی اجدادمان داشته باشد، آثاری که از نقاشی‌های دیواری در غارها بر جای مانده، و از گذشته‌های دور در تمدن ایران و حتی جهان ثبت شده است، گواه بر همین علاقه دیرینه است.

چکار کنیم که مدیران بیشتر تشویق شوند با معلمان هنر همکاری کنند؟ از گذشته به دلیل کم‌توجهی به درس نقاشی در مدرسه‌ها، بسیاری از مدیران امروز دید بصری ضعیف‌تری نسبت به هنر دارند. برخی از افراد، دیواری با رنگ‌های متنوع و چند شخصیت کارتونی را به عنوان نقاشی دیواری تلقی می‌کنند، چرا که درک بصری آن‌ها محدود به همین حد است.